

مستطاب

دانشگاه الزهراء(س)  
دانشکده ادبیات، زبانها و تاریخ

**پایان نامه**

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
رشته زبان و ادبیات عربی

عنوان

**استعاره در کلمات قصار نهج البلاغه**

استاد راهنما

**دکتر مینا جیگاره**

استاد مشاور

**دکتر محمد میر حسینی**

دانشجو

**زهرا غلامی**

بهمن ۱۳۸۸

## اهداء به

خاک آستان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) که تیغ بلیغ فصاحتش تا ستیغ اعجاز و ایجاز بیان بر آمده است و پژواک کلام جاودانه اش، همواره جاری است و شنیدنی.

## و تقدیر به دو عشق پاک زندگی امن

پدر عزیز و بزرگوارم، او که داستان پرمهرش پشتوانه زندگیم بوده است و مسیر سربلندی را به شیواترین روش به من آموخت.

مادر مهربان و دلسوزم، به پاس فداکاریهایش که می دانم هیچ تقدیمی جایگزین زحمات بی دریغ او نمی شود.

## چکیده:

نهج البلاغه که حاوی برخی خطبه ها، نامه ها و حکمتهای ارزشمند امام علی(ع) است و توسط مؤلف بزرگ سید رضی جمع آوری شده است، از ارزشمندترین و نادرترین کتب در میراث علمی، ادبی مسلمانان و پشتوانه بزرگ امت اسلام در فهم و تبیین قرآن کریم است، کتابی است که در برگیرنده اصول علمی بسیاری در زمینه های مختلف از جمله ادبیات، اقتصاد، فقه، فلسفه، سیاست و... می باشد و متضمن بهترین فنون فصاحت و بلاغت است، فصاحت و بلاغتی همراه با ایجاز که مولود و بازتابی از آیات الهی در قرآن کریم و سخنان رسول اکرم (ص) است.

استعاره که از اسالیب قدیمی عرب است، به کار بردن لفظی در غیر از معنای اصلی خود می باشد و نمونه هایی از آن را در شعر دوره جاهلی، عباسی، دوره های بعد و نیز قرآن و احادیث نبوی شاهد هستیم، از اساسی ترین فنون بیانی تأثیر گذار بر خواننده است و از قدیم مورد توجه بوده است و از آنجا که نهج البلاغه از جهت بلاغی مهجور واقع شده است، پرداختن به این موضوع، ضروری به نظر رسید. در این رساله با استناد به روش تحلیلی- فنی، استعاره و انواع آن را در کلمات قصار مورد بررسی قرار داده ایم، تا نحوه به کارگیری و اسلوب استعاره در این حکمتها مشخص گردد و معیاری باشد برای طالبان حقیقت تا بدین وسیله به قطره ای از دریای اعجاز این کلمات ارزشمند دست یابند، پس از بررسی حکمتها این نتیجه تقریبی حاصل شد که بیشترین استعاره های به کار رفته خصوصاً در مورد مسائل تاریخی، همانند فرمانروایی خلفا و موضوعات اعتقادی، همانند ذم دنیا، دین اسلام، جهاد در راه خدا، توجه به مرگ و معاد و... استعاره مکنیه می باشد و در موضوعات اخلاقی و اجتماعی همانند: دوستی و دشمنی، عهد و پیمانها، حیاء و آبرو، حسن خلق و... که مورد خطاب عموم مردم هستند، استعاره مصرحه بیشتر به چشم می خورد، همچنین تعداد زیاد استعاره های مرشحه در مقایسه با مجرد بر بلاغت این سخنان می افزاید. پس به طور کلی می توان گفت استعاره ها به گونه ای است که

متناسب با نوع تفکر و فهم مخاطب، در حکمت‌های ارزشمند امام علی (ع) به شکل بسیار زیبایی جای گرفته اند.

**واژه های کلیدی: امام علی (ع)، نهج البلاغه، کلمات قصار، استعاره**

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف.....	چکیده.....
ج.....	فهرست مطالب.....
و.....	مقدمه.....
	<b>فصل اول: امام علی (ع) و نهج البلاغه</b>
۲.....	امام علی(ع).....
۳.....	امام علی(ع) از دیدگاه خداوند تبارک و تعالی.....
۳.....	امام علی (ع) از دیدگاه رسول خدا(ص).....
۴.....	فضایل امام علی(ع).....
۹.....	نهج البلاغه.....
۱۲.....	مؤلف نهج البلاغه.....
۱۲.....	فصاحت و بلاغت در نهج البلاغه.....
۱۵.....	نهج البلاغه از نگاه اندیشمندان شرق و غرب.....
۲۳.....	نمونه هایی از تأثیر گذاری سخنان امام علی (ع) در نهج البلاغه بر ادبیات عرب.....
۲۴.....	اهمیت حکمت‌های نهج البلاغه.....
۲۵.....	ارتباط حکمتها با علوم.....
۲۵.....	از جمله چاپ‌های این کتاب عظیم.....
۲۶.....	شرح‌های نهج البلاغه.....
	<b>فصل دوم: مجاز و انواع آن</b>
۳۱.....	بلاغت.....
۳۲.....	بیان.....
۳۲.....	مقاصد علم بیان و حقیقت و مجاز در لغت و اصطلاح.....
۳۴.....	انواع حقیقت و مجاز.....
۳۵.....	چند نظر مختلف در مورد مجاز.....
۳۵.....	علاقه.....
۳۶.....	انواع علاقه‌های غیر مشابهت.....
۳۶.....	جزئیه و کلیه.....
۳۷.....	سببیه، مسببیه و اعتبار ما کان.....
۳۸.....	اعتبار مایکون، محلیه و حالیه.....
۳۹.....	آلیه.....
۳۹.....	عموم، خصوص، بدلیه و مبدلیه.....
۴۰.....	مجاز مفرد یا لغوی.....
۴۰.....	مجاز مرسل.....
۴۰.....	استعاره در لغت و اصطلاح.....

۴۲	تاریخ استعاره و نظرات مختلف در مورد آن.....
۴۷	ارکان استعاره.....
۴۷	آیا استعاره مجاز لغوی است یا عقلی؟.....
۴۸	محل و مکان وقوع استعاره.....
۴۹	فرق استعاره با کذب.....
۴۹	فرق استعاره و تشبیه.....
۵۰	فرق استعاره و تمثیل.....
۵۰	قرینه استعاره.....
۵۲	انواع قرینه.....
۵۲	قرینه صارفه و معینه.....
۵۲	تقسیم بندی استعاره.....
۵۲	انواع استعاره به اعتبار طرفین(وفاقیه و عنادیه).....
۵۳	گاهی استعاره تلمیحیه، تملیحیه نامیده می‌شود.....
۵۴	انواع استعاره به اعتبار جامع(عامه و خاصه).....
۵۶	انواعی دیگر از استعاره به اعتبار جامع(داخلیه و خارجیه).....
۵۶	انواع استعاره به اعتبار مستعار منه، مستعار له و جامع.....
۵۸	انواع استعاره به اعتبار لفظ مستعار(اصلیه و تبعیه).....
۶۰	قرینه استعاره تبعیه.....
۶۱	انواع استعاره به اعتبار ملائمت طرفین(مطلقه، مجرد و مرشحه).....
۶۴	انواع استعاره به اعتبار ذکر یا عدم ذکر مستعار منه(مصرحه و مکنیه).....
۶۵	تعریف استعاره مصرحه مطلقه در فارسی.....
۶۷	تفاوت میان ترشیح و تخییل.....
۶۷	نظر سکاکی و خطیب قزوینی در مورد استعاره مکنیه.....
۶۷	استعاره بالکنایه در فارسی.....
۶۸	مجاز مرکب یا تمثیل.....
۷۰	تفاوت استعاره مرکب و کنایه.....
۷۰	نوعی دیگر از استعاره(محتمله).....
۷۱	زیبایی استعاره.....
۷۲	بلاغت استعاره.....
۷۳	هدف از استعاره و اهمیت استعاره.....
۷۴	اسامی انواع استعاره در زبان فارسی.....
<b>فصل سوم: حکمتها و ترجمه و شرح استعاره‌ها</b>	
۲۴۵-۷۶	ترجمه و شرح حکمتها.....
۲۴۶	نمودار استعاره‌های مکنیه و مصرحه.....
۲۴۶	نمودار استعاره‌های اصلیه و تبعیه.....
۲۴۷	نمودار استعاره‌های مطلقه، مجرد و مرشحه.....
۲۴۷	نمودار استعاره‌های وفاقیه و عنادیه.....

۲۴۸	.....	خاتمه
۲۵۱	.....	تلخیص
۲۶۴	.....	فهرست منابع
۲۷۷	.....	چکیده انگلیسی (abstract)



## مقدمه:

### الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية علي بن أبي طالب عليه السلام

سپاس خداوندی که مرا در راه آشنایی بیشتر با نهج البلاغه، سند حقانیت و عدالت علی (ع) قرار داد تا بتوانم از دریای بی کران وجود وی که وسعتش نه به پهنای چهارده قرن که به ژرفای زمان و مکان است، هم به قدر تشنگی بهره برده باشم.

این رساله با عنوان «استعاره در کلمات قصار نهج البلاغه» چنان که که مشخص است قصد دارد تا به بررسی این فن در حکمتهای نهج البلاغه بپردازد، تا گامی هر چند کوچک در پی بردن به ارزش این سخنان گرانها در زمینه بلاغت برداشته باشد، به تعبیر بهتر این رساله بارقه ای از بلاغت بی مانند نهج البلاغه است که از دریچه علم بیان (استعاره) به آن نگریسته شده است.

امروزه فنون بیانی، بیشتر در تحلیلهای بلاغی مورد استفاده قرار می گیرند، زیرا این فنون از بهترین عنصرهای تأثیر گذار برخوردار خواننده و شنونده هستند و وظیفه آن برانگیختن انفعالات درونی است. و استعاره که به کار بردن لفظی در غیر از معنای خود، به منظور مبالغه در تشبیه است، در زمره قویترین و متعالی ترین فنون بیانی و از ارکان اصلی تصویر آفرینی، به شمار می رود.

از جمله اهداف استعاره رساندن معانی زیاد به وسیله الفاظ کم، تصویر و تجسیم و مبالغه و تأکید می باشد، استعاره، محصول درون بینی و ژرف نگری ادیب است و همین امر سبب می شود تا ادیب در میان اشیایی که به ظاهر هیچ شباهتی با هم ندارند مشابَهت هایی را کشف کند، به عبارتی استعاره ابزاری خلاق در دست ادیب است و از جمله عوامل زیبایی آن، شمول جامع، وضوح استعاره، تناسی تشبیه و ایجاد صورتی زیبا و خیال انگیز است.

از آن جایی که استعاره در فرایند ارتباطی از قدیم مورد توجه ادبا قرار گرفته است، بر آن شدیم تا موضوع استعاره را در کلمات قصار امام علی (ع) در نهج البلاغه مورد بررسی قرار دهیم، دلیل انتخاب این موضوع، علاوه بر آشنایی بیشتر با سخنان امام علی (ع)، از این جهت بود که نهج البلاغه با این که نقش مهمی در پیش برد و پختگی ادبیات عرب داشته است اما در زمینه بلاغت نسبت به زمینه های دیگر مهجور واقع شده و بیشتر به جنبه های موضوعی آن پرداخته شده است و در این میان حکمتها را برگزیدیم، زیرا پژوهشهایی که تا کنون در زمینه بلاغت نهج البلاغه انجام شده است بیشتر در زمینه خطبه ها و نامه ها بوده است و کلمات قصار به ندرت، مد نظر بوده است و از طرف دیگر به خاطر اهمیت این حکمتها بود، چرا که طبق گفته ابن ابی الحدید، این قسمت از نهج البلاغه نسبت به کل آن همچون روح است نسبت به بدن و همچون مردمک چشم است نسبت به چشم و همچون مرواریدی است که دیگر قسمتهای کتاب، صدف آن است، همچنین قابل توجه است که خطبه ها و نامه ها هر کدام مخاطبین خاص خود را دارند اما مخاطب حکمتها، عموم مردم هستند.

ما در این پژوهش قصد داریم تا دریابیم هدف امام علی (ع) از به کار بردن استعاره در این حکمتها چه بوده است؟ کدام یک از انواع استعاره بیشتر در کلمات قصار به کار رفته است؟ و موضوع کلمات قصار چه تاثیری در نوع استعاره دارد؟ بنابراین سعی بر این است که با تکیه بر روش تحلیلی\_فنی، به بررسی جنبه های لفظی استعاره ها در کلمات قصار پرداخته و جلوه های زیبای استعاره در این حکمتها را مشخص کنیم و به تأثیر زیبای این فن در هر چه زیباتر شدن سخنان امام علی (ع) دست یابیم و بلاغت موجود در آنها را با توجه به ضرورت مطرح نمودن زیبایی های نهج البلاغه از نظر کاربردی در مجامع فرهنگی، آشکارتر کنیم و به این وسیله به همگان و مخصوصاً پژوهشگران جوان اثبات کنیم که نهج البلاغه پس از قرآن کریم و سخنان رسول اکرم (ص) از منابعی است که هیچ ادیب عربی بی نیاز از آن نیست.

## پیشینه پژوهش:

کتابها و پایان نامه‌های زیادی در زمینه نهج البلاغه نگاشته شده است؛ اما همانگونه که اشاره کردیم اغلب در زمینه موضوعی است و ما در اینجا به ذکر چند نمونه از آنها که مرتبط با پژوهش ماست می‌پردازیم:

۱- پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «در آمدی بر استعاره در نهج البلاغه» از آقای ابوالحسن امین مقدسی در دانشگاه تربیت مدرس. که محقق در این پایان نامه خطبه‌های ۱ تا ۷۰ نهج البلاغه را با توجه به شمارش نهج البلاغه فیض الاسلام مورد بررسی و تحلیل قرار داده و سعی دارد تا ضمن ترجمه و شرح استعاره‌ها و تعیین مستعار منه، مستعار له، و جامع آنها، نوع هر کدام از آنها را مشخص کند و در پایان نتایج بررسی خود را به صورت آماری و نموداری مشخص می‌کند، اما توجهی به کلمات قصار و استعاره‌های موجود در آنها ندارد.

۲- «الاستعاره فی نهج البلاغه» عنوان پایان نامه دوره کارشناسی است که خانم طاهره رسولی در دانشگاه امام صادق (ع) به انجام رسانده است، محقق در این پایان نامه پژوهش خود را به سه باب تقسیم کرده: باب اول در تعریف استعاره، احکام و انواع آن و فرق بین انواع استعاره‌ها است، باب دوم استعاره‌های موجود در 31 خطبه امام علی (ع) و اختلافات میان شروح را مورد بررسی قرار داده و باب سوم خاتمه می‌باشد، اما استعاره‌های موجود در کلمات قصار را مورد بررسی قرار نمی‌دهد.

۳- پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تشبیه و استعاره در خطب اخلاقی نهج البلاغه» از آقای متین ابوذری در دانشگاه امام صادق. این پایان نامه سه فصل دارد، فصل اول در مورد نهج البلاغه، بخشی از فصل دوم در مورد تشبیه و برخی مربوط به استعاره است، فصل سوم نیز دو بخش دارد که در بخش اول نمونه‌هایی از استعاره‌ها و تشبیه‌های نهج البلاغه را شاهد هستیم و در بخش دوم تشبیه و استعاره

های موجود در خطب اخلاقی نهج البلاغه را بررسی کرده، که در مجموع ۲۵۰ تشبیه و ۳۶ استعاره را مورد تحلیل قرار داده اما به استعاره های کلمات قصار نپرداخته است.

۴- کتاب «التشبيه والإستعاره فی نهج البلاغه» از قصی الشیخ عسکر. این کتاب در حجم بسیار کوچک (حدود ۱۲ صفحه) تعدادی اندکی از تشبیه ها و استعاره های موجود در کل نهج البلاغه را ذکر کرده و ارزش اجتماعی و ادبی موجود در آن را بیان می کند.

این رساله در سه فصل تنظیم شده است که فصل اول آن به جایگاه ادبی امام علی (ع) و نهج البلاغه می پردازد، در این فصل نظر شخصیت های بزرگ اسلامی و غیر اسلامی در مورد عظمت شخصیت امام علی (ع) نهج البلاغه خصوصاً در زمینه بلاغت مطرح می شود، فصل دوم به بررسی استعاره و انواع آن اختصاص دارد که پس از مقدمه ای در زمینه بلاغت، علم بیان و مجاز به تشریح استعاره و انواع آن می پردازد، منبع اصلی مورد استفاده در این فصل، کتاب "مختصر المعانی" سعدالدین تفتازانی می باشد، زیرا این کتاب، یکی از مهمترین و کامل ترین کتب بلاغی به شمار می رود، با توجه به اینکه واژه استعاره جزء عنوان این رساله است، مطرح شدن این فصل، ضروری به نظر رسید، در این فصل سعی شده است علاوه بر منابع عربی، منابع فارسی نیز مورد استفاده قرار بگیرد که از جمله می توان به کتاب "بیان" دکتر شمیسا" اشاره کرد و اما در فصل سوم که در حقیقت فصل اصلی این پایان نامه می باشد، ابتدا حکمتها و ترجمه به ترتیب کتاب نهج البلاغه صبحی صالح نگاشته شده است، ترجمه ها بر اساس چهار کتاب: "ترجمه نهج البلاغه فیض الاسلام"، "ترجمه نهج البلاغه جعفر شهیدی"، "ترجمه نهج البلاغه عبدالمحمد آیتی" و "ترجمه نهج البلاغه محمد دشتی" می باشد که با دخل و تصرف نگارنده همراه بوده است، با توجه به اینکه ترجمه قسمتی از کار نگارنده در این پایان نامه بوده و همچنین به جهت قضاوت (درباره وجود یا عدم وجود استعاره در حکمتها)، صرفاً به حکمتهایی که دارای استعاره بوده کفایت نشده بلکه تمامی ۴۸۰ حکمت با ترجمه آن آمده است، پس از ترجمه، حکمتهایی که احتمال استعاره در آنها وجود داشته، شرح داده شده است، و قبل از بیان استعاره، معنی لغت مورد نظر

در صورت مشکل بودن یا وجود تفاوت‌های مختلف معنایی، توضیح داده شده که ترجمه این لغت‌ها عموماً براساس کتابهای "لسان العرب"، "مختار الصحاح"، "العین"، "مصباح المنیر" و یا "صحاح جوهری" می‌باشد و سعی شده نوع استعاره با توجه به ذکر یا حذف مستعار منه، لفظ مستعار، داخل بودن جامع در مفهوم طرفین یا عدم آن و امکان اجتماع طرفین در یک چیز یا عدم ذکر ملائمت طرفین، ذکر گردد و در پایان هر حکمت نیز کتابهایی که به استعاره موجود در آن حکمت اشاره داشته‌اند، ذکر گردیده‌اند و اگر چنانچه، آن استعاره، نقد نشده است به این دلیل بوده که نظر این مؤلفین مورد پذیرش نگارنده بوده است و از طرفی هدف این پژوهش نقدی نبوده، بلکه تأکید بر روی شرح استعاره‌ها بوده است. در مورد استعاره‌های مکنیه با توجه به اینکه امام علی (ع) در بسیاری از اوقات به جمادات، صفت انسانی یا حیوانی بخشیده، تعداد آنها نیز زیاد می‌باشد، به منظور جلوگیری از تکرار و اطاله کلام در برخی موارد از توضیح ارکان آن استعاره خود داری شده و به صورت کلی نوع استعاره بیان گردیده است و در پایان نمودار دایره‌ای نسبی استعاره‌ها ترسیم شده است، مساوی نبودن استعاره‌های بررسی شده در این قسمت به دلیل عدم شرح برخی از استعاره‌های مکنیه است که اشاره کردیم. از منابع اصلی که بیشتر در این فصل مورد استفاده قرار گرفته‌اند می‌توان به "شرح ابن میثم" و "شرح ابن ابی الحدید" اشاره کرد. در خاتمه بحث، نتایج به دست آمده از این پژوهش ذکر گردیده است و خلاصه رساله به زبان عربی نوشته شده است و پس از فهرست منابع و مآخذ، چکیده پایان نامه به زبان انگلیسی نگاشته شده است.

با توجه به اینکه استعاره در نهج البلاغه با اسلوب‌های متنوعی به کار رفته است و تشخیص ارکان آن گاهی اوقات به آسانی میسر نمی‌باشد، امید است که خوانندگان گرامی اشتباهات و کوتاهی‌های اینجانب را به دیده اغماض عفو فرمایند.

امید است، که در حد توان خود توانسته باشم، شیوایی سخنان آن حضرت را برای خوانندگان بازگو نمایم و این تلاش ناچیز روزنه‌ای به سوی بوستان فصاحت و بلاغت نهج البلاغه بگشاید.

در پایان از سرکار خانم دکتر جیگاره که با راهنمایی های ارزنده و دلسوزانه خود، کام ما را به  
حلاوت کلام امیر المؤمنین (ع) شیرین گردانیدند و از جناب آقای دکتر میرحسینی که که زحمت  
مشاوره این پایان نامه را متحمل شدند و با همکاری و مشاوره های ارزشمند خود سختی های راه را بر  
من هموار کردند و از همه دوستان و عزیزانی که در تدوین این رساله همراه و یاورم بودند، صمیمانه  
قدر دانی و سپاسگزاری می کنم.

والسلام علی من اتبع الهدی

بهمن ماه ۱۳۸۸

## فصل اول

امام علی (ع) و نهج البلاغه

## امام علی (علیه السلام)

همان گونه که می دانیم، بنا به نوشته مورخان ولادت علی (ع) در روز جمعه ۱۳ رجب در سال سی ام عام الفیل به طرز عجیب و بی سابقه ای در درون خانه خدا به وقوع پیوست، حضرت علی (ع) نخستین فرزند خانواده هاشمی است که پدر و مادر او هر دو فرزند هاشم اند. پدرش ابوطالب فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم بن عبدمناف و مادر او فاطمه دختر اسد فرزند هاشم بن عبدمناف است. خاندان هاشمی از لحاظ فضائل اخلاقی و صفات عالیه انسانی در قبیله قریش و نیز در میان دیگر طوایف عرب، از اعتبار قابل توجهی برخوردار بوده اند. فتوت، مروت، شجاعت و بسیاری از فضایل دیگر از ویژگیهایی است که برای بنی هاشم برشمرده اند و یک یک این فضیلت ها در مرتبه عالی در وجود مبارک حضرت علی (ع) موجود بوده است، حضرت علی (ع) در ۲۱ ماه رمضان سال ۴۰ هجری به شهادت رسید و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

## امام علی (ع) از دیدگاه خداوند تبارک و تعالی

در این قسمت به ذکر چند نمونه از آیات قرآنی که در مورد امام علی (ع) نازل شده است می پردازیم:

خطیب بغدادی (ابو بکر احمد بن علی) از اسماعیل بن جعفر [راوی موثق]... از ابن عباس نقل کرده است که در قرآن سیصد آیه در باره علی بن ابی طالب (ع) نازل شده است. برخی از قدما مانند طبری و ابونعیم، رساله هایی به نام «ما نزل من القرآن فی علی (ع)» تالیف نموده اند. همچنین ابن حجر شبلنجی از ابن عساکر از ابن عباس، موضوع سیصد آیه قرآن کریم را مربوط به حضرت علی (ع) دانسته اند و ما (علامه محمد تقی جعفری) به ذکر چند نمونه از آیات قرآن کریم می پردازیم.

۱- «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ». 'آدم کلماتی را از پروردگارش دریافت کرد. مقصود از این کلمات «محمد(ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) هستند.

---

۱. بقره(۲): ۳۷



۲- « إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا<sup>۱</sup> ». همانا خداوند اراده کرده است پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را پاکیزه گرداند. مقصود از اهل بیت، علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) هستند.

۳- «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ<sup>۲</sup>». پس از آنکه در ماهیت عیسی بن مریم علم پیدا کردی، اگر کسی در این موضوع با تو جدل و احتجاج بورزد، بگو بیاید ما و شما فرزندان و زنان و نفس خود را بیاوریم و سپس یکدیگر را لعنت کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار بدهیم. در این آیه امام علی(ع) بمنزله جان پیامبر آمده است.

۴- « إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ<sup>۳</sup> ». جز این نیست که ولی شما خدا و رسول او و کسانی هستند که ایمان آورده‌اند؛ و کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. کسی که در حال رکوع زکات داده است، علی(ع) است. (جعفری، ۱۳۷۶ه، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۸)

### امام علی(ع) از دیدگاه رسول خدا (ص)

قاضی اسماعیل و نسائی و نیشابوری می‌گویند: «در باره هیچ یک از صحابه، روایاتی با اسناد صحیح مانند علی(ع) وارد نشده است.» (همان، صص ۲۰۰ و ۲۰۱) لذا مابه نقل از علامه محمد تقی جعفری به ذکر چند نمونه جمله از پیامبر اکرم (ص) در مورد امام علی(ع) می‌پردازیم:

«۱- ای علی، نسبت تو به من، نسبت هارون به موسی است؛ مگر در نبوت که پس از من پیامبری نیست. ۲- هر کس که من مولای او هستم، علی(ع) مولای او است. ۳- به علی ناسزا نگویند، او شیفته و بی‌قرار ذات الهی است. ۴- پروردگار عالمیان در باره علی بن ابی‌طالب(ع)، تعهدی نموده و فرموده است: علی(ع) پرچم هدایت، کانون نور ایمان و پیشوای اولیاء الله و نور برای کسی که مرا اطاعت کند. ۵- علی(ع) امیر مردم با ایمان، پیشوای متقین و رهبر کمال یافتگان پاک به بهشت پروردگار

<sup>۱</sup> احزاب(۳۳): ۳۳

<sup>۲</sup> آل عمران(۳): ۶۱

<sup>۳</sup> مائده(۵): ۵۵

عالمیان است، کسی که او را تصدیق نمود، رستگار شد و کسی که او را تکذیب کرد، رسوا و ساقط گشت. ۶- هر کس بخواهد به حضرت آدم در علمش بنگرد و به نوح در تقوایش و به ابراهیم در بردباریش و به موسی در هیبتش و به عیسی در عبادتش، به علی بن ابی طالب (ع) بنگرد. این شش جمله را که پیامبر اسلام (ص) در باره علی بن ابی طالب (ع) فرموده است، به عنوان نمونه‌ای از شخصیت و جایگاه علی (ع) در نزد پیامبر نقل نمودیم. و چنانکه ملاحظه می‌شود، مجموع جملات به خوبی اثبات می‌کند که علی (ع) در قلمرو مکتب‌های الهی در ردیف اول رهبران است. بنا بر این رسالت او به عنوان نمایندگی کلّ از رسالت‌های کلی تاریخ، احتیاجی به گفتگو و تفصیلات بیشتر ندارد.» (جعفری، ۱۳۷۶ه، ج ۱ صص ۲۰۰ و ۲۰۱)

عایشه می‌گوید: «محبوب‌ترین زنان نزد پیامبر (ص)، فاطمه (س) و از مردان علی (ع) بود.» (شیرازی، ۱۳۸۵ه، ص ۳۶۵)

### فضایل امام علی (ع)

شاید ذکر بیتی از مرحوم شیخ عباس قمی در مورد این شخصیت والای تاریخی، امام علی (ع) خالی از لطف نباشد:

شَهْدَ الْأَنْامِ بِفَضْلِهِ حَتَّى الْعِدَى  
وَالْفَضْلُ مَا شَهِدَتْ بِهِ الْأَعْدَاءُ  
همه مردم حتی دشمنان، به بزرگی و فضیلت او گواهی دادند و فضیلت آن است که دشمنان به آن گواهی دهند.<sup>۱</sup>

**علامه طباطبایی** می‌نویسد: «بحث‌هایی که درباره شخصیت امیرالمؤمنین علی (ع) انجام گرفته و کتاب‌هایی که پیروان مذاهب و سایر کنجکاوان در این باره نوشته‌اند، درباره هیچ یک از شخصیت‌های تاریخ اتفاق نیفتاده است.» (طباطبایی، ۱۳۵۱ه، ص ۱۲۸)

اما فضایل آن حضرت (ع) به چنان عظمت و اشتها و شکوهی رسیده و آن‌چنان در همه جا منتشر است که نمی‌توان متعرض بیان آن شد، یا به تفصیل آن پرداخت و همان‌گونه است که ابو العیناء به عبید الله بن یحیی بن خاقان، وزیر متوکل و معتمد عباسی گفت: «در مورد وصف فضایل تو خود را

<sup>۱</sup> شیخ عباس قمی، ۱۳۶۵ه، ص ۱۳

همچون کسی می‌بینم که بخواهد درباره پرتو روز رخشان یا فروغ ماه تابان سخن بگوید که بر هیچ کس پوشیده نیست و یقین پیدا کردم که سخن من در مدح تو به هر پایه برسد، باز هم نشان دهنده ناتوانی من از آن است و فروتر از حد نهایت است. چاره در آن دیدم که از مدح و ستایش تو فقط به دعا کردن برای تو باز گردم و به جای خبر دادن از تو، تو را با آنچه که مردم همگان از تو می‌دانند واگذارم.» و اینک من [ابن ابی الحدید] چه بگویم درباره بزرگ مردی که دشمنانش به فضیلت او اقرار کرده‌اند و نتوانسته‌اند فضایل او را پوشیده بدارند. معتزله که اهل توحید و عدل هستند و در این دو موضوع ارباب نظرند، همگان در زمره شاگردان و اصحاب اویند. دیگر از علوم، علم فقه است که علی (ع) اصل و اساس آن است و هر فقیهی در اسلام، از فقه او بهره برده است. عامه و خاصه این سخن پیامبر (ص) را نقل کرده‌اند که فرموده است: «قاضی‌ترین و آگاه‌ترین شما به علم قضاوت، علی است.» پایگاه صاحبان علم طریقت و تصوف، در همه سرزمین‌های اسلام اوست و شبلی و جنید و سری سقطی و ابو یزید بسطامی و ابو محفوظ معروف کرخی و .... همه به این موضوع تصریح کرده‌اند. دیگر از علوم، علم نحو و مبانی عربی است که علی (ع) آنرا ابداع کرده و اصول و قواعد آنرا بیان و به ابو الاسود دوئلی املا کرده است. اگر علی (ع) را در مورد ویژگیهای اخلاقی و فضایل نفسانی و دینی بنگرید، او را بر اوج شرافت خواهید دید. اما در مورد شجاعت چنان است که نام همه شجاعان پیش از خود را از یاد مردم برده است و نام همه کسانی که پس از او آمده‌اند را محو کرده است، در مورد نیروی دست و توان بازو، به او مثل زده می‌شود. ابن قتیبه در کتاب "المعارف" می‌گوید: «با هیچ کس کشتی نگرفته، مگر این که او را به زمین زده و از پای در آورده است، و علی (ع) است که در خیبر را از جا کند. از نظر جود و سخاوت، چنان بود که روزه می‌گرفت و با آن که از گرسنگی سست می‌شد، باز غذای خود را بخشش می‌کرد. در مورد بردباری و گذشت، او باگذشت‌ترین مردم از خطا (خطای دیگران) بود و بخشنده‌ترین مردم در بخشش کسانی که نسبت به او بدی می‌کردند. اما در مورد فصاحت، آن حضرت (ع) امام همه فصیحان و سرور همه بلیغان است. مردم آیین سخنوری و نگارش را از او فرا گرفته و آموخته‌اند. در خوش خلقی و گشاده‌رویی و نغزگویی و لبخند زدن، علی (ع) ضرب‌المثل است. در مورد زهد در این جهان و بی‌رغبتی به آن، علی (ع) سرور همه پارسایان است. همگان راه به سوی او دارند و نزد او زانو بر زمین می‌زنند. او هرگز از خوراکی سیر نخورد و به خوراک مختصر و پوشش ولباسهای خشن اکتفا می‌نمود در مورد قرائت

قرآن و تدبیر علی (ع) به این کتاب مقدس، همه اتفاق نظر دارند که او در روزگار پیامبر (ص) آیات قرآن را حفظ می‌کرد و هیچ‌کس دیگر جز او، آن را حفظ نبود، او از استوارترین مردم در رأی و اندیشه بود و تدبیرش صحیح‌ترین تدبیر بود، این‌ها که بر شمردیم ویژگی‌های پسندیده و مزایای بشر است. روشن شد که علی (ع)، در همه این موارد، پیشوایی است که باید از کردارش پیروی شود و سالاری است که باید در پی او گام نهاد. (ر.ک. ابن ابی الحدید، ۱۳۷۵ه، ج ۱ صص ۱۰-۲۲)

**خطیب شافعی** مشهور به ابن مغازلی در مناقب امام علی (ع) از سعد و قاص فاتح مشهور صدر اسلام چنین نقل می‌کند «علی (ع) را فضایی بود که برای احدی نبود، در مسجد نبوی بیتوته می‌کرد، پیامبر (ص) پرچم فتح خیبر را به او سپرد و تمامی درهای مسجد نبوی را مسدود نمود جز باب علی (ع)». (ر.ک. خطیب شافعی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۵۶)

**مسعودی** امام علی (ع) را فصیح‌ترین نویسندگان پیشین می‌داند. (مسعودی، ۱۳۷۴ه، ج ۲ ص ۲۴).  
توماس کارلیل، متفکر مسیحی و فیلسوف بزرگ انگلیسی، عشق ورزیدن را تنها کاری می‌داند که انسان می‌تواند در برابر این امام بزرگ انجام دهد:

«اما علی، ما را نمی‌رسد، جز آن که او را دوست بداریم و به او عشق بورزیم؛ چرا که او جوانمردی بس عالی‌مقدار و بزرگ‌نفس بود. از سرچشمه وجدانش، خیر و نیکی می‌جوئید و از دلش شعله‌های شور و حماسه زبانه می‌زد. شجاع‌تر از شیر ژیان بود، ولی شجاعتی مخلوط با لطف و رحمت و مهربانی.» (کارلیل، بی تا، ص ۱۲۸)

**اوادیس استانبولیان**، گفته‌ها و خطبه‌های علی (ع) را اساس حق و حقیقت در بین مردم می‌داند و بیان می‌دارد که شخصیت ایشان دادگاه عدالتی است که قلب‌ها از آن نور می‌گیرند و به وسیله آن هدایت می‌شوند. (انور هیفاء، ۲۰۰۵م، ص ۴۱۳)

**بارون کارادوفو**، دانشمند فرانسوی معتقد است: «حضرت علی (ع) مولود حوادث نیست، بلکه به وجود آورنده حوادث است. او قهرمانی بود در عین دلیری؛ دلسوز و شهسوار عرصه نبرد بود، به مال و مقام توجهی نداشت؛ قلبی عمیق داشت که انتهای آن، نامشخص بود و همیشه ترس الهی آن را فراگرفته بود.» (کمپانی، ۱۳۸۵ش، ص ۳۷۵)